

■احمد رضا صدری

حزب توده در عداد احزاب واپسته‌های است که در سایه انسجام تشکیلاتی و با سوءاستفاده از خلأ فرهنگی و سیاسی دوران ظهور خود، پیا به عرصه نهاد و در مدتی نسبتاً طولانی، توانست این دو عرصه را از خویش متأثر بسازد. در مقالی که پیش روی دار بند، زمینه‌های پیدایش این جریان سیاسی و فرهنگی مورد بازخوانی قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

شرایط انقلابی روسیه در اواخر دهه ۱۲۹۰ و آشنایی ایرانیان مهاجر با انقلاب بلشویکی روسیه و آرزوی آنان برای ایجاد تحول در جامعه سبب شد که خود دست به ایجاد سازمان‌های سیاسی بزنند یا به سازمان‌های سیاسی موجود ملحق شوند. تشکیل حزب توده نیز متأثر از اندیشه‌های چپ و در راستای تحقق همین آرزوها بود.

■ **آغاز ماجرا با کمیته «اجتماعیون عامیون»**
در سال ۱۲۹۹ برخی از مسلمانان قفقاز به رهبری نریمان نریمانف کمیته‌ای به نام «اجتماعیون عامیون» را تشکیل دادند و بعدها عده‌ای از مشروطه‌طلبان و آزادی‌خواهان آذربایجان، شعبه‌هایی از این کمیته را در تبریز به وجود آوردند.حیدرخان تاروی‌ودی افشار (عمواغلی) هم عضو شعبه باکو کمیته اجتماعیون عامیون بود. محمدامین رسول‌زاده، عزیز بیگوف، نریمانف و چاپاربدزه تشکیلات ناسیونالیستی جوانان ترک‌زبان قفقاز به نام «سازمان جوانان مسلمان» را تشکیل دادند و نشریه همت را به عنوان ارگان این تشکیلات به صورت تابیی منتشر کردند. این تشکیلات بعدها به نام «سازمان همت باکو» فعالیت می‌کرد. نشریه همت با سردبیری رسول‌زاده ارگان مخفی سازمان بود. بعدها نشریات تکامل، بولدانش، قوچ و دعوت به عنوان ارگان‌های رسمی این تشکیلات منتشر شدند. سردبیری نشریات هم رسول‌زاده بود که در عین حال سردبیری نشریه تکامل را هم به عهده داشت. حزب سوسیال دموکرات‌های مسلمان با جمعیت همت در سال ۱۲۸۲ در باکو تأسیس شد. این حزب با حزب سوسیال‌دموکرات‌قفقاز و حزب سوسیال‌دموکرات روسیه ارتباط نزدیک داشت و اکثر اعضای آن را کارگران مهاجر ایرانی تشکیل می‌دادند.

گروه سیاسی ایرانی همت که در باکو مستقر بود، در سال ۱۲۸۳ شعباتی از این حزب را در تبریز، تهران و مشهد تأسیس کرد. این شعبه‌های محلی که قرار بود رابط میان بلشویک‌های روسیه و طبقه کارگر ایران باشند، در ایران با اسامی مجاهدین و اجتماعیون عامیون فعالیت می‌کردند. در سال ۱۲۸۴ کمیته سوسیال‌دموکرات ایران یا اجتماعیون عامیون ایران به عنوان شعبه‌ای از حزب همت تأسیس شد و در همان سال شعب خود را در تبریز و سپس در سایر شهرها تأسیس کرد. در همین سال شعبه فرقه سوسیال‌دموکرات با جمعیت ایرانی مجاهدین توسط حیدرخان عمواغلی و ابراهیم میلانی در تهران و مشهد تشکیل شد. به گفته کسروی یک سال پیش از مشروطه ایرانی‌های مقیم قفقاز از روی مرامنامه سوسیال‌دموکرات روس تشکیلاتی به نام اجتماعیون عامیون را به رهبری نریمان نریمانف به وجود آوردند.

■ انجمنی سری به نام «مرکز غیبی»!

رهبران همت، مخصوصاً حیدر عمواغلی با همکاری اعضای کمیته انقلاب انجمن ملی برای ایرانیان قفقاز و سپس ایرانیان داخل کشور حزب اجتماعیون عامیون را تشکیل دادند. ارمنی‌های سوسیال دموکرات تبریز و نیز مسلمانان سوسیال دموکرات آن شهر هر یک تشکیلات خاص خود را داشتند و مسلمانان با نام کمیته اجتماعیون عامیون تبریز یا فرقه مدافع اسلام فعالیت می‌کردند. در تبریز افرادی چون علی دوافروش، حاج رسول صدقیانی و علی مسیو عسوانی انجمن بودند و اعضای آن مثل اعضای انجمن‌های مخفی فدایی نامیده می‌شدند. این حزب یک کمیته مخفی و سژی کوچک هم داشت که توسط حیدرخان تشکیل شد و مرکز غیبی نام داشت. پس از وقوع انقلاب مشروطه سران این تشکیلات مرامنامه اجتماعیون عامیون قفقاز را به فارسی ترجمه کردند و انجمنی مخفی به نام «مرکز غیبی» را به وجود آوردند. کسروی اشاره می‌کند که بین مجاهدان قفقاز و مجاهدان مرکز غیبی تبریز اختلافاتی وجود داشته است.

احسان طبری سر آغاز تشکیلات مارکسیستی ایران را به انجمن‌های غیبی سوسیال دموکرات (اجتماعیون عامیون) که در تهران، رشت و تبریز شعبه داشت برمی‌گرداند. مراکز یا انجمن‌های غیبی هسته‌های فعال اجتماعیون عامیون و ملک‌المتکلمین و سید جمال‌واظف در تهران و ملک‌الشعرا ی‌بهار و ابراهیم میلانی در مشهد عضو آن بودند. انجمن محلی فرقه مدافع اسلام سوسیال دموکرات ایران در تبریز در سال ۱۲۸۷ به دفاع از مشروطه بیانیه‌ای را صادر کرد. جمعیت یا فرقه با کمیته سوسیال دموکرات‌های ارمنی ایران به رهبری گریگور یقیکیان عمدتاً در بندرانزلی و رشت فعال بودند. مؤسسن فرقه سوسیال دموکرات ارمنه تبریز هم آرتاشریر چلنگریان بود. در طی رویدادهای پس از مشروطه و در مقطع استبداد صغیر رسول‌زاده به ایران آمد و با کمک مشروطه‌خواهان ایرانی، از جمله سلیمان میرزا اسکندری، سید محمد رضا مسالوات، سید حسن تقی‌زاده و حسینقلی‌خان نواب حزب دموکرات را تشکیل داد. ملک‌الشعرا ی‌بهار هم در کتاب «تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران» به اسامی فوق و نیز وحیدالملک به عنوان اعضای حزب دموکرات عامیون اشاره می‌کند.

■ اجتماعیون عامیون و تمرکز در «حزب دموکرات»

همزمان با فعالیت‌های مجلس دوم تشکیلات اجتماعیون عامیون فعالیت‌های خود را در حزب دموکرات متمرکز کرد. پس از شکست محمدشاه و فتح تهران همزمان با افتتاح مجلس دوم مرکز فرقه اجتماعیون عامیون ایران در قفقاز تمام شعب این فرقه را تعطیل کرد. از این پس تمام مبارزات پارلمانی این تشکیلات در حزب دموکرات ایران متمرکز شد. اعضای شاخس این حزب رسول‌زاده به عنوان تنورسین حزب و تقی‌زاده از رهبران آن در مجلس دوم بود. رسول‌زاده که در سازماندهی حزب دموکرات و تهیه اساننامه و مرامنامه آن با عمواغلی و تقی‌زاده همکاری

می‌کرد، از سال ۱۲۸۸ سردبیری نشریه «ایران نو» ارگان حزب را به عهده گرفت. حزب دموکرات در مجلس دوم ۲۸ نماینده و در مجلس سوم ۳۱ نماینده داشت. در سال ۱۲۸۹ حیدرخان عمواغلی حزب دموکرات مشهد را تأسیس کرد و ملک‌الشعرا ی‌بهار به انتشار روزنامه نوبهار پرداخت. این روزنامه ناشر افکار حزب دموکرات است و لذا بهار به عضویت کمیته ایالتی حزب در خراسان در آمد. روزنامه نوبهار به مدیریت ملک‌الشعرا ی‌بهار پس از روزنامه ایران نو درواقع سخنگوی حزب دموکرات شد. نشریات مروج افکار حزب دموکرات در شهرهای مختلف با اسامی گوناگونی چاپ و منتشر می‌شدند و از جمله صدای تبریز، ایران نو در تهران، نوبهار در مشهد، شقایق گیلان در رشت، قزوین در قزوین، فروردین در ارومیه و یازبندره‌ود در اصفهان. محفل رسمی دموکرات‌ها مجمع ادب بود.

پس از تعطیلی مجلس سوم و تشکیل کابینه مهاجرت در سال ۱۲۹۵ احزاب دموکرات و اعتدالیون منحل شدند. حزب دموکرات بار دیگر توسط افرادی چون ملک‌الشعرا ی‌بهار تشکیل شد و روزنامه‌های ایران، نوبهار و زبان آزاد به عنوان ارگان حزب منتشر شدند. جمعی از دموکرات‌ها هم با رهبری سید محمد کمرای تشکیلات و دموکرات‌های ضد تشکیلی را با روزنامه «شکاره ایران» به عنوان ارگان رسمی خود امانداری کردند. در مجلس چهارم جمعی از دموکرات‌ها با انتتاف با اعتدالی‌ها حزب اصلاح‌طلب و جمعی هم حزب سوسیالیست (اجتماعیون) را به عنوان اکثریت و اقلیت مجلس راه انداختند.

■ فرقه عدالت از دیگر بستر سازان حزب توده

فرقه عدالت به رهبری غفارزاده در سال ۱۲۹۵ در باکو تشکیل شد. این حزب هم مانند حزب همت با حزب سوسیال دموکرات روسیه در ارتباط بود و روزنامه «حریت» را به دوزبان فارسی و آذری چاپ می‌کرد. اسدالله‌خان غفارزاده اردبیلی دبیر اول فرقه، میرجعفر جوادزاده خلخال (پیشه‌وری) سردبیر حریت و احمد سلطان‌زاده (اوتیس میکائیلیان، تنورسین فرقه هستند. شغل اکثر اعضای کمیته عدالت در باکو معلمی، کارگری صنعت نفت، روزنامه‌نگاری و امثال اینهاست. علاوه بر میرزا اسدالله غفارزاده اولین رئیس کمیته پیشه‌وری سبایر رهبران آن عبارت بودند از حیدرخان عمواغلی، سلطان‌زاده و دکتر سلام‌الله جابید که همگی مدت‌ها در روسیه زندگی کرده بودند. احسان طبری و ابراهیم اوف به نقل از پیشه‌وری سال تأسیس حزب عدالت در محله صابونچی باکو را سال ۱۲۹۶ و مؤسس آن را سوسیال دموکرات‌های قفقاز می‌دانند. غفارزاده صدر حزب و ارگان آن روزنامه بیریق بود. فرقه عدالت مهم‌ترین تشکیلات سوسیالیستی کارگران ایرانی شاغل در تبریز، نصیحت در قزوین حزب خواهان استقرار جمهوریت در ایران بود و حتی احمدشاه را هم به عنوان اولین رئیس‌جمهور ایران در نظر گرفته بود. کمیته عدالت باکو در سال

«اجتماعیون عامیون و تمرکز در «حزب دموکرات»

همزمان با فعالیت‌های مجلس دوم تشکیلات اجتماعیون عامیون فعالیت‌های خود را در حزب دموکرات متمرکز کرد. پس از شکست محمدشاه و فتح تهران همزمان با افتتاح مجلس دوم مرکز فرقه اجتماعیون عامیون ایران در قفقاز تمام شعب این فرقه را تعطیل کرد. از این پس تمام مبارزات پارلمانی این تشکیلات در حزب دموکرات ایران متمرکز شد. اعضای شاخس این حزب رسول‌زاده به عنوان تنورسین حزب و تقی‌زاده از رهبران آن در مجلس دوم بود. رسول‌زاده که در سازماندهی حزب دموکرات و تهیه اساننامه و مرامنامه آن با عمواغلی و تقی‌زاده همکاری

۱۲۹۷ به کنسولگری در باکو حمله کرد و آن را به تصرف خود درآورد و کنسول ایران، ساعدا را فراری داد. سپس غفارزاده رئیس کمیته را برای تماس با میرزا کوچک‌خان به ایران فرستاد، اما او در راه آسترا به بندرانزلی به دست یکی از مخالفان خود که او را از باکو تعقیب کرده بود به قتل رسید و پیشه‌وری جانشین او شد که تا سال ۱۲۹۹ که کمیته عدالت به گیلان منتقل شد دبیر این کمیته بود.

■ **اولین کنگره به نام «فرقه کمونیست ایران»**
اولین کنگره فرقه عدالت با حضور نمایندگانانی از قفقاز، آسیای مرکزی، آذربایجان و گیلان در بندرانزلی با نام کنگره فرقه کمونیست ایران برگزار و سلطان‌زاده به جای غفارزاده که چند ماه قبل به قتل رسیده بود دبیر اول شد. این کنگره تز رادیکال سلطان‌زاده را که معتقد بود ایران پس از انقلاب مشروطه انقلاب بورژوازی را پشت سر گذاشته است و باید وارد مرحله انقلاب کارگری، دهقانی یا سوسیالیستی شود، پذیرفت و در حیدرخان عمواغلی را که معتقد بود اقتصاد ایران در دوران ماقبل سرمایه‌داری و دولت زیر سلطه فئودال‌هاست و باید به سمت انقلاب ملی حرکت کرد رد کرد. یک ماه بعد حیدرخان جانشین سلطان‌زاده شد و تز او مورد قبول قرار گرفت. المونی می‌نویسد که: اولین کنگره حزب کمونیست ایران به ریاست آقازاده از اعضای قدیمی کمیته عدالت در بندرانزلی و به ابتکار کمیته عدالت ترکمنستان در تاشکند که پس از باکو مهم‌ترین مرکز فعالیت‌های کمونیستی آسیای مرکزی و قفقاز بود، برگزار شد. در این کنگره نام کمیته عدالت به‌طور رسمی تبدیل به حزب کمونیست ایران شد و حیدرخان که پیش از آن بنیانگذار حزب اجتماعیون عامیون بود، به رهبری حزب کمونیست برگزیده شد. از دیگر رهبران حزب سوسیال دموکرات روسیه در ارتباط بود و روزنامه آقازاده اشاره کرد. پس از قتل حیدرخان عمواغلی در مناقشات نهضت جنگل در سال ۱۳۰۰ کریم نیکبخت دبیر اول حزب کمونیست شد و حزب به تهران انتقال پیدا کرد. نیکبخت بعداً در تصفیه‌های استالین کشته شد و حسین شرقی هم که به زودی به دستور استالین به قتل رسید، جانشین او شد.

■ مهاجرت کمونیست‌ها از شمال به تهران

پس از انحلال جمهوری گیلان که کمونیست‌ها در تشکیل آن نقش اساسی داشتند، حزب کمونیست فعالیت‌های خود را از شمال به نواحی داخلی، مخصوصاً تهران منتقل کرد. این حزب در سال ۱۳۰۴ کانون‌هایی را در شهرهای اصفهان، تبریز، مشهد، تهران، کرمانشاه، بندرانزلی و برخی از شهرهای جنوب تشکیل داد. تأسیس حزب عدالت در محله صابونچی باکو را سال می‌دانند. غفارزاده صدر حزب و ارگان آن روزنامه بیریق بود. فرقه عدالت مهم‌ترین تشکیلات سوسیالیستی کارگران ایرانی شاغل در تبریز، نصیحت در قزوین حزب خواهان استقرار جمهوریت در ایران بود و حتی احمدشاه را هم به عنوان اولین رئیس‌جمهور ایران در نظر گرفته بود. کمیته عدالت باکو در سال



مروری بر زمینه‌های پیدایش حزب توده در عرصه فرهنگ و سیاست ایران

تداوم تندروی انجمن‌های سری!

در سال ۱۳۰۶ دومین کنگره حزب کمونیست ایران در ارومیه برگزار شد. به گفته احسان طبری پس از این کنگره نیکبخت در روسیه سخنگوی حزب، مرتضی علوی مدیر مجله پیکار در آلمان و پیشه‌وری رهبر آن در تهران بودند. در این کنگره سلطان‌زاده مجدداً عضو شورای مرکزی حزب شد. او هم بعدها به دستور استالین کشته شد.

■ کمونیست‌ها در دوران سلطنت رضاخان

در دوران سلطنت رضاخان، مخصوصاً از سال ۱۳۰۶ به بعد بسیاری از رهبران و فعالان حزب کمونیست و فعالان کارگری وابسته به آن به زندان افتادند. بعضی‌ها در زندان مرند و بعضی‌ها هم تا پایان سلطنت رضاشاه یعنی سال ۱۳۲۰ در زندان بودند. برخی از این رهبران و فعالان حزب کمونیست همراه با روشنفکران مارکسیست هودار دکتر تقی ارانی موسوم به گروه ۵۳ نفر از بنیانگذاران حزب توده بودند.

■ حزب توده پس از شهر یور ۲۰

در نخستین انتخابات آزاد بعد از سقوط رضاخان در سال ۱۳۲۱، حزب توانست به موفقیت چشمگیری دست یابد و هشت تن از نامزدهای آن از تبریز، اصفهان، گیلان و تهران توانستند به مجلس معروف و تاریخی چهارم راه یابند. در آن مجلس ۸۰ نفری، نمایندگان توده‌ای توانستند فراسیون بافغوزی را تشکیل دهند. حزب توده در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم که اتحاد شوروی در صحنه بین‌المللی حضور خود را اعلام داشت، توانست به‌سریعت به عنوان یک حزب منسجم در صحنه سیاست و فرهنگ ایران حضور یابد و در جنگ منافع شوروی سابق با جریان‌های وابسته به بریتانیا و آمریکا این دوران تاریخی را رقم زند. حزب پس از تأسیس، با استقبال روبه‌رو شد و توانست کارگران و دانشجویان و زنان را به سبکی نوین سازماندهی کند. بسیاری از روشنفکران نیز به سوی حزب جلب شدند. همسویی حزب با شوروی و دفاع آن از کمونیسم (گرایش استالینیستی) موجب خروج برخی مخالفان از صفوف حزب شد و پس از شکست فرقه دموکرات، انشعابی گسترده در حزب رخ داد و گروهی از روشنفکران به رهبری خلیل ملکی حزب را ترک کردند و بخشی از رهبران حزب به ناچار به خارج از کشور رفتند. محمد رضا پهلوی در بهمن ماه ۱۳۲۷ در دانشگاه تهران مورد سوء قصد قرار گرفت. روایت رسمی این بود که یک متعصب مذهبی وابسته به حزب توده مسئول ترور بوده‌است. پس از آن دولت حزب توده را منحل اعلام کرد. بعد از این اعلان، حزب به فعالیت مخفی روی آورد و بخشی دیگر از رهبران حزب به خارج از کشور رفتند. نورالدین کبایری در خاطرات خود گفته که توسط یکی از اعضا در جریان قصد فحرای برای ترور شاه قرار گرفته و ضمن پیگیری ماجرا سیاست حزب و نظر کمیته مرکزی مبنی بر مغایرت رسیدن به «اهداف انقلاب از راه ترور» را به او اعلام کرده‌است. تاریخ‌نگاران حزب توده، این جریان را یکی از عوامل توفیق کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ قلمداد کرده‌اند.



ایز تنفر از حزب توده ۱۳۲۵، اجتماع کارگران و دهقانان اصفهان در مقابل تلگراف خانه‌ای برای

بخشی از تشکیلی‌های تبریزی در دوران مشروطه‌دوم در تصویر صادق شاه‌الدشقی دیده می‌شود



■ شاهد توحیدی

اثر تاریخی- گزارشی «دکتر مظفر بقایی در محکمه نظامی» به بازخوانی یکی از ماجراهای سیاسی در آستانه اوج‌گیری نهضت ملی ایران پرداخته است. به عبارت دیگر این اثر به ماجرای دستگیری مظفر بقایی کرمانی نه به عنوان موضوعی شخصی، بل به عنوان حلقه‌ای از زنجیره رویدادهای دوران نهضت ملی می‌نگرد. این مجموعه که به کوشش علی میرانصاری تدوین یافته، در صدر خویش مقدمه‌ای به قلم وی دارد. تدوینگر در آغاز به کلید خوردن ماجرا و نحوه تداوم آن، به شرح ذیل اشاره می‌کند: «همة ماجرا از روز پنج‌شنبه هشتم دی ۱۳۲۸، آغاز شد. در این روز، دکتر مظفر بقایی، یکی از اعضای اصلی جبهه ملی و از نزدیکان دکتر مصدق و سردبیر روزنامه شاهد، به درج سرمقاله‌ای در شماره ۵۷ همین روزنامه اقدام کرد. عنوان سرمقاله، چنین بود: «این جا، نادرستی و بی‌کفایتی مانع احراز مقامات عالی نیست.» محور اصلی مقاله، پیرامون دو موضوع بود: اول، وقایع پس از شهریور ۱۳۲۰ و غارت اموال ارتش، با تمرکز بر نقش منفی شخصی به نام سرهنگ برخوردار. دوم، مهاجرت بارزانی‌ها به رهبری ملاصطفی بارزانی از مرز کردستان عراق به شوروی که از طریق ایران و بدون هیچ گونه موانعی صورت گرفت. درج این سرمقاله، منجر به دستگیری نویسنده و سردبیر روزنامه، یعنی دکتر بقایی شد. این دستگیری، به دنبال خود ماجرای راه را در طول تقریباً پنج ماه رقم زد که نقطه آغازش، توقیف روزنامه شاهد و نقطه اوج رفیع آزادی سهم خود را پرداخته‌اند... یک



■ مظفر بقایی کرمانی در میان تنی چندان از اعضای حزب زحمتکشان ایران در دوران نهضت ملی

روز مانده به موعد تشکیل دادگاه، یعنی در روز بیستم دی، دکتر بقایی تلاش کرد جواد میراحمدیان را به جمع و کیلان خویش اضافه کند ولی با مخالفت دادگاه روبه‌رو شد. ناگفته نماند در این فاصله، برخی از نشریات وابسته به جبهه ملی، به درج مقالاتی در دفاع از دکتر بقایی اقدام کردند. از جمله روزنامه صفیر مقاله‌ای تحت عنوان دکتر بقایی را در زندان نگه دارد تا زندانی شدن، سند شرافت شود، منتشر کرد. به هر تقدیر، دادستانی نظامی و مشخصاً، سرهنگ جهانشاهی قاجار، رئیس دادگاه جنایی فرمانداری نظامی تهران و حومه، برای تشکیل نخستین جلسه دادگاه در روز بیست‌ویکم دی، ابرام می‌ورزند اما در روز نوزدهم، سرهنگ پارسا، رئیس زندان شهرتانی کشور، به دادستانی نظامی اطلاع داد که دکتر بقایی به علت بیماری در بهداری زندان بستری شده است. اطبای بهداری زندان، علت آن را مشکلات کبدی و قولنج تشخیص دادند. به همین علت بهداری زندان دستور استراحت دکتر بقایی را در روز بیست‌ویکم صادر کرد و به این وسیله جلسه دادگاه را عملاً به روز بیست‌ودوم موکول ساخت. از گزارش روزنامه آتش برمی‌آید که اعضای جبهه‌ملی به طور فعال و به عنوان تماشاچی در دادگاه شرکت می‌داشتند. علیرغم بیماری و عدم حضور مهم، هیئت دادرسان دادگاه جنایی فرماندار نظامی و وکلای دکتر بقایی در روز بیست‌ویکم، در دادگاه حضور پیدا کردند ولی به علت غیبت مهم، جلسه را به روز بیست‌ودوم موکول ساختند. روز بیست‌ودوم هیئت دادرسان دادگاه جنایی فرماندار نظامی در دادگاه حاضر شدند ولی باز دکتر بقایی به همان دلیل در دادگاه حاضر نشد. این هیئت تصمیم گرفت تا جلسه را به روز شنبه، یعنی بیست‌وچهارم دی موکول کند.»